جوان

روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران

صاحب امتیاز: پیام‌آوران نشر روز
مدیر مسئول: محمدجواد اخوان
سردبیر: غلامرضا صادقیان
آدرس: تهران، خیابان بیهقی
کوچه شهیداکبر زجاجی (چهاردهم غربی)، پلاک ۱۲
سازمان آگهی‌ها: ۸۸۵۴۵۴۸۸
روابط عمومی: ۸۸۵۲۳۰۶۰- فکس: ۸۸۴۹۸۴۶۶
توزیع: مؤسسه نشرگستر امروز نوین ۸۸۷۳۰۹۴۲
چاپ: همشهری
Public@JavanOnline.ir

| روزنامه جوان | شماره ۷۷۳۸ | چهارشنبه ۱۳ آبان ۱۴۰۵ | ۲۴ جمادی‌الاول ۱۴۴۸ | اذان ظهر ۱۱:۴۸ |
غروب آفتاب ۱۷:۰۷ | اذان مغرب ۱۷:۲۶ | نیمه شب شرعی ۲۳:۰۵ | اذان صبح فردا ۰۵:۰۴ | طلوع آفتاب فردا ۰۶:۲۹ |

کتاب

آیین رونمایی از کتاب «ماجراهای من و بابام»

خاطراتی که به تمرین تفکر تبدیل شدند

کوروش خزایی

عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق(ع) در آیین رونمایی از کتاب «ماجراهای من و بابام» با تأکید بر اینکه داستان می‌تواند ماده اولیه‌ای برای اندیشیدن باشد گفت: در قرآن کریم نیز قصه‌های متعددی وجود دارد که ظرفیت قابل توجهی برای تأمل و تفکر دارند و به نظرم لازم است درباره این ظرفیت و چگونگی استفاده از آن در تربیت و آموزش بیشتر پژوهش شود.

دکتر علی‌اصغر خندان عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق(ع) و پدر نویسنده کتاب «ماجراهای من و بابام» درباره چگونگی شکل‌گیری این اثر گفت: این کار از ابتدا با هدف کتاب‌خوانی و فعالیت مشترک پدر و پسر آغاز شد. یکی از انگیزه‌های اصلی من، ایجاد ارتباطی صمیمانه‌تر با فرزندم بود؛ چراکه معتقدم برای تربیت کودک، ابتدا باید بتوان با او ارتباط برقرار کرد و دوست او بود.

این عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق(ع) درباره شیوه نگارش کتاب نیز گفت: بخش قابل توجهی از خاطرات در زمانی که فرزندم هنوز به مدرسه نرفته بود، به‌صورت شفاهی و با تایپ صوتی روایت می‌شد. پس از آن، با همکاری یکدیگر متن‌ها را بازبینی و ویرایش می‌کردیم. در این فرایند، کودک راوی تجربه‌های خودش بود و من نیز در کنار او به تکمیل و تنظیم روایت کمک می‌کردم.

او ادامه داد: برخی از فعالان حوزه ادبیات کودک پس از آشنایی با این شیوه، آن را تجربه‌ای تازه دانستند؛ زیرا در این شکل از روایت، کودک هم مخاطب اثر است و هم راوی تجربه‌های شخصی خود. این ویژگی می‌تواند زمینه‌ای برای شکل‌گیری گونه‌ای متفاوت از روایت در ادبیات کودک باشد.

دکتر خندان با اشاره به استفاده از داستان‌ها و انیمیشن‌ها در این فرایند گفت: برای نمونه، بخشی از انیمیشن «پهلوانان» را انتخاب می‌کردیم، آن را با هم می‌دیدیم و سپس درباره اتفاقات و شخصیت‌های آن گفت‌وگو می‌کردیم. بعد از تماشا، فرزندم داستان را با زبان خودش بازگو می‌کرد. در این تمرین‌ها گاهی مشخص می‌شد که کودک مفهوم را به‌درستی درک کرده، اما واژه مناسب برای بیان آن را نمی‌شناسد و به همین دلیل از عبارت دیگری استفاده می‌کند. همین موضوع می‌تواند فرصتی برای شناخت بهتر توانایی‌های زبانی و فکری او باشد.

او با تأکید بر اینکه هدف اصلی این کتاب آموزش مستقیم مسائل اخلاقی و معنوی نبوده است، گفت: در این اثر تلاش نکردیم به فرزندم بگوییم چه چیزی را بیان کند یا نکند. خاطرات مربوط به مسجد، سفر مشهد، زیارت و دیگر تجربه‌های زندگی او به‌صورت طبیعی در روایت‌ها آمده‌اند. هدف اصلی ما تمرین روایت‌گری و تقویت مهارت‌های ذهنی بود و نه جهت‌دهی مستقیم به محتوای خاطرات.



این نویسنده و پژوهشگر با اشاره به ظرفیت قصه در پرورش تفکر اظهار کرد: داستان می‌تواند ماده اولیه‌ای برای اندیشیدن باشد. در قرآن کریم نیز قصه‌های متعددی وجود دارد که ظرفیت قابل توجهی برای تأمل و تفکر دارند و به نظرم لازم است درباره این ظرفیت و چگونگی استفاده از آن در تربیت و آموزش بیشتر پژوهش شود.

خندان با اشاره به روایتی از امیرالمؤمنین(ع) درباره اهمیت اندیشیدن در آموخته‌ها بیان کرد: در این روایت بر این نکته تأکید شده است که انسان با تفکر درباره آنچه می‌آموزد، دانش خود را تقویت می‌کند و به نکاتی دست می‌یابد که پیش‌تر برایش روشن نبوده است. این موضوع در شرایط امروز و با توجه به چالش‌هایی که هوش مصنوعی پیش روی نظام آموزشی و دانشگاه‌ها قرار داده، اهمیت بیشتری پیدا می‌کند.

در ادامه، محمدامین خندان، نویسنده کتاب «ماجراهای من و بابام»، نیز در این مراسم با اشاره به شکل‌گیری ایده اولیه کتاب گفت: پیش از ورود به کلاس اول، کتاب تصویری سه‌جلدی خارجی در اختیار داشتم که در آن، تصاویر بدون متن و با شماره‌گذاری کنار هم قرار گرفته بودند و مخاطب باید با توجه به تصاویر، داستان را حدس می‌زد. نسخه فارسی آن نیز بخش‌های کوتاهی از داستان را در کنار تصاویر داشت. او ادامه داد: در یکی از سفرها که از مشهد برمی‌گشتیم، به پدرم پیشنهاد دادم خاطرات خودم را از سفر مشهد، کربلا و اتفاقاتی که در خانه برایم رخ داده است، بنویسیم و آنها را به کتاب تبدیل کنیم. پدرم هم در انتخاب کلمات و جمله‌بندی به من کمک کرد.

معرفی آثار راه‌یافته به بخش صحنه‌ای رویداد ملی «ایران‌دخت»

آثار پذیرفته‌شده در بخش صحنه‌ای نخستین رویداد ملی هنرهای نمایشی «ایران‌دخت» معرفی شدند.

پس از بررسی آثار متقاضی حضور در بخش صحنه‌ای نخستین رویداد ملی هنرهای نمایشی «ایران‌دخت» از سوی هیئت انتخاب متشکل از سمیه آباده، الهام چنانی و فاطمه راد، اسامی آثار راه‌یافته به این بخش اعلام شدند.

بر اساس اعلام دبیرخانه این رویداد، نمایش‌های «شب هزار و یکم» به کارگردانی فاطمه مرادی، «ربابو» به کارگردانی طاهره قادری، «بازگشت» به کارگردانی فاطمه شفیعی از تهران و نمایش «وقت میقات ربنا» به کارگردانی مهناز ده‌بزرگی از شیراز، «نقل تکرار تاریخ» به کارگردانی هلیا جعفری از ایلام، از سوی هیئت انتخاب برای حضور در این رویداد پذیرفته شدند.

همچنین آثار «ضیافت ملکه» به کارگردانی حدیقه حیدری و فاطمه طاهری‌نسب، «نام من ایران» به کارگردانی آدینه رحیم‌نژاد، «تار و پود» به کارگردانی لیلا اسبقی و «آرش» به کارگردانی افسانه هنرور، به دعوت دبیر در این رویداد حضور خواهند داشت. نخستین رویداد ملی هنرهای نمایشی «ایران‌دخت» ویژه بانوان، به دبیری مریم شعبانی، در بخش‌های پرفورمنس، نمایش‌های صحنه‌ای، تئاتر در میدان و بخش میهمان، از ۳ تا ۹ آذر در تهران برگزار می‌شود.

حکمت

امام علی علیه السلام:

ای جوانان! آبرویتان را با ادب و دینتان را با دانش حفظ کنید.

تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۲۰



سینمای مستند

احمد جوان

کارگردان مستند «هدی» در گفت‌وگو با «جوان»:

مستندسازان نباید در برابر اتفاقات جنگ بی‌تفاوت باشند

جنگ فقط به لحظه وقوع حمله و شمار قربانیان آن محدود نمی‌شود و گاهی سنگین‌ترین بخش فاجعه، روزها و ماه‌هایی است که بازماندگان باید با جای خالی عزیزانشان و زخم‌هایی که بر جسم و روانشان نشسته است، زندگی کنند. مستند «هدی» به کارگردانی حامد سعادت، از همین نقطه به سراغ حمله به میناب رفته است. روایتی از کودکانی که در این حادثه آسیب دیده‌اند و خانواده‌هایی که همچنان با پیامدهای آن دست‌وپنجه نرم می‌کنند. سعادت در این مستند به‌جای تمرکز بر لحظه مرگ و شهادت، دوربین خود را به سمت زندگی پس از فاجعه چرخانده و تلاش کرده است رنجی را ثبت کند که با پایان درگیری‌ها از میان نمی‌رود. او در گفت‌وگو با جوان از شکل‌گیری ایده ساخت این فیلم، دشواری ارتباط با شخصیت اصلی، مسئولیت اجتماعی مستندسازان در شرایط جنگی و ضرورت حمایت از سینمای مستند می‌گوید.

ایده ساخت مستند «هدی» چگونه شکل گرفت و چه شد که تصمیم گرفتید به سراغ روایت زندگی کودکان آسیب‌دیده از حمله به میناب بروید؟

چند روز پس از آغاز جنگ رمضان به میناب رفتم و در میان خانواده‌های آسیب‌دیده به پژوهش پرداختم. قصد داشتم درباره کودکانی که از این حادثه جان سالم به در برده بودند فیلم بسازم، اما به دلیل شرایط روحی خانواده‌ها، شروع کار با کمی تأخیر همراه شد. پس از تعطیلات عید و در میانه جنگ، بار دیگر به میناب برگشتیم و کار را در آنجا ادامه دادیم.

شخصیت اصلی فیلم، دختربچه‌ای به نام هدی است که در جریان جنگ مجروح شده و آسیب دیده است. او با وجود شرایط دشوار روحی و جسمی، ویژگی‌هایی از قهرمانی و مقاومت را در وجود خود دارد. هدی برادر و پسرخاله‌اش را که رابطه‌ای صمیمانه داشتند و هم‌بازی یکدیگر بودند، از دست داده و با فقدان و رنج سنگینی روبه‌روست.

برقراری ارتباط با کودکی که چنین تجربه تلخی را پشت سر گذاشته، احتمالاً کار ساده‌ای نبوده است. در آغاز تصویربرداری چطور توانستید اعتماد هدی را جلب کنید؟

در ابتدا هدی چندان صحبت نمی‌کرد و ارتباط گرفتن با او دشوار بود. تلاش کردم چند روز پیش از شروع فیلم‌برداری، فضایی دوستانه برایش ایجاد کنم. به همین دلیل با او به پارک و بیرون از خانه می‌رفتم تا به‌تدریج احساس راحتی کند و بتواند ارتباط بیشتری برقرار کند. می‌خواستم همراهش باشم و تا حدی جای خالی برادر و پسرخاله‌اش را که هم‌بازی او بودند، پر کنم.

تمرکز من در این مستند بر شهدا نبود، بلکه می‌خواستم زندگی و رنج بازماندگان را به تصویر بکشم. هدفم نشان دادن این موضوع بود که ابعاد این جنایت تنها به کسانی که جان خود را از دست داده‌اند محدود نمی‌شود خانواده‌ها و بازماندگان هم پس از گذشت زمان همچنان با درد و آسیب‌های آن زندگی می‌کنند و این داغ ادامه دارد.

حضور در میناب و مواجهه مستقیم با خانواده‌های داغدار، به‌ویژه کودکان آسیب‌دیده، چه تأثیری بر شما به‌عنوان مستندساز گذاشت؟ آیا توانستید فاصله عاطفی لازم را برای ثبت واقعیت حفظ کنید؟

تصور می‌کردم در شرایط بحرانی می‌توانم احساساتم را کنترل کنم. در حالت عادی هم نسبت به رنج کودکان حساس هستم، اما دیدن صحنه‌های میناب و مواجهه با وضعیت کودکان، به‌ویژه هدی، فشار روحی زیادی برایم داشت. هر روز آرزو می‌کردم این ماجرا زودتر به پایان برسد و بتوانم میناب را ترک کنم. توصیف این حجم از رنج و اندوه واقعاً دشوار است.

تلاش من و دیگر دوستانم در حوزه مستند این بوده که نسبت به اتفاقات جنگ بی‌تفاوت نباشیم. زبان سینمای مستند، زبان واقعیت و حقیقت است. ممکن است اطلاعات یک حادثه در قالب گزارش منتشر شود، اما این اطلاعات لزوماً عمق درد و رنج انسان‌ها را نشان نمی‌دهند. وظیفه سینما این است که با روایت قصه و ثبت تجربه‌های انسانی، ابعاد حادثه و پیامدهای آن را به تصویر بکشد و به گوش و چشم جوامع مختلف برساند. رسالت مستندساز هم در هر شرایطی وفادار ماندن به همین مسئولیت است.

همان‌طور که نیروهای آتش‌نشانی در لحظات حساس در صحنه حضور پیدا می‌کنند، مستندسازان هم باید بتوانند بدون محدودیت‌های غیرضروری در محل رویداد حاضر شوند و واقعیت‌ها را ثبت کنند. این موضوع به برنامه‌ریزی و حمایت جدی مسئولان و نهادهای مرتبط نیاز دارد



تولید مستند در شرایط جنگی با چه موانع و محدودیت‌هایی همراه است؟ آیا سازوکار مشخصی برای حضور مستندسازان در مناطق بحرانی وجود دارد؟

نبود هماهنگی و حمایت‌های مالی و معنوی از جمله چالش‌های جدی این مسیر است. به اعتقاد من، باید پروتکل مشخصی برای فعالیت مستندسازان در شرایط بحرانی طراحی شود. همان‌طور که نیروهای آتش‌نشانی در لحظات حساس در صحنه حضور پیدا می‌کنند، مستندسازان هم باید بتوانند بدون محدودیت‌های غیرضروری در محل رویداد حاضر شوند و واقعیت‌ها را ثبت کنند. این موضوع به برنامه‌ریزی و حمایت جدی مسئولان و نهادهای مرتبط نیاز دارد. سینماحقیقت ویترین یک‌ساله سینمای مستند است و نقش مهمی در معرفی و دیده‌شدن آثار دارد با این حال، فرصت نمایش فیلم‌ها در جشنواره محدود است و نباید اکران آنها به همین رویداد ختم شود. لازم است پس از پایان جشنواره هم امکان دسترسی مخاطبان به این آثار فراهم باشد. سینماحقیقت به دلیل برخورداری از مخاطبان علاقه‌مند به سینمای مستند، فرصت مناسبی برای معرفی فیلم‌هاست و در دیده‌شدن آنها تأثیر قابل‌توجهی دارد.

رویداد

محمدرضا مصباح:

فیلمسازان جوان پیش از تولید به پروژه خود باور داشته باشند

تهیه‌کننده سینما با تأکید بر ضرورت خودباوری فیلمسازان جوان برای ورود به سینمای مقاومت و دفاع مقدس گفت: اگر فیلمساز به پروژه خود اعتقاد داشته باشد، موضوع را به‌درستی انتخاب کند و عوامل مناسبی را در کنار خود قرار دهد، می‌تواند از دشواری‌های مسیر تولید عبور کند.

به گزارش جوان از ستاد خبری نوزدهمین جشنواره بین‌المللی فیلم مقاومت، در حاشیه نوزدهمین جشنواره بین‌المللی فیلم مقاومت، در پاسخ به پرسشی درباره نگرانی فیلمسازان جوان از دشواری‌های تولید آثار مقاومت و دفاع مقدس اظهار کرد: به نظرم نخستین قدم این است که خود فیلمساز به پروژه‌اش اعتقاد



داشته باشد. اگر فیلمساز جوان به کار خود باور و اعتمادبه‌نفس کامل داشته باشد و مطمئن باشد که پروژه‌اش حامل بار فرهنگی ارزشمندی است، مسیر تولید نیز آن‌قدرها دشوار نخواهد بود.

وی افزود: اگر پروژه قابلیت لازم را داشته باشد، به‌درستی درباره آن فکر شده باشد و عوامل دقیق و مناسبی برای همکاری انتخاب شوند، می‌توان به تولید اثری خوب و قابل‌توجه رسید.

این تهیه‌کننده در ارزیابی آینده سینمای مقاومت نیز ابراز امیدواری کرد و گفت: آینده سینمای ایران بسیار درخشان است و با توجه به حضور هنرجویان جوان و علاقه‌مندی آنان به فعالیت در حوزه سینمای راهبردی و مقاومت، آینده سینمای مقاومت نیز حتماً درخشان‌تر خواهد بود.

نوزدهمین جشنواره بین‌المللی فیلم مقاومت از هفتم تا چهاردهم آبان ۱۴۰۵ به دبیری جلال غفاری در پردیس سینمایی ملت در حال برگزاری است.

نما | حسین کشتکار



فراسو

مصطفی شاه‌کرمی

«جوان» روند برگزاری نوزدهمین دوره جشنواره فیلم مقاومت را بررسی می‌کند

«مقاومت» در پردیس ملت از کارگاه‌های تخصصی تا روایت کودکان مظلوم

جشنواره بین‌المللی فیلم مقاومت در دوره تازه خود، در کنار انتقادات اهالی رسانه در مورد انتخاب آثار یا شیوه اجرایی آن هر کدام از آنها باید به صورت جدی و جزئی مورد بررسی و مداقه قرار بگیرند، با انتقال خانه جشنواره از باغ موزه دفاع مقدس به پردیس سینمایی ملت، اقدامی مثبت انجام داده است. اگرچه در نگاه نخست بیشتر جابه‌جایی مکان به نظر می‌رسد، به دلیل تعدد سالن‌های نمایش این پردیس در عمل فرصت‌های تازه‌ای برای نمایش آثار کوتاه، مستند و حتی فیلم‌های تولیدشده با هوش مصنوعی برای خالقان اثر و مخاطبان فراهم کرده است.

به گزارش «جوان»، امسال پردیس سینمایی ملت میزبان مخاطبان، هنرجویان و سینماگرانی است که برای دیدن آثار جشنواره مقاومت راهی این مجموعه فرهنگی شده‌اند. برگزاری هم‌زمان بخش‌های مختلف در سالن‌های متعدد، یکی از نقاط قوت این دوره است؛ هرچند تعداد دفعات نمایش فیلم‌های کوتاه و مستند در هر روز تنها یک نوبت است و این موضوع برای علاقه‌مندانی که می‌خواهند چند اثر را ببینند، محدودیت ایجاد می‌کند. با این حال، تنوع سالن‌ها و حضور بخش‌های تازه، نشانه‌ای از تلاش برگزارکنندگان برای گسترش دامنه جشنواره است.

کارگاه‌ها، نقطه درخشان جشنواره

از مهم‌ترین و قابل‌تأمل‌ترین بخش‌های این دوره، کارگاه‌ها و مسترکلاس‌های تخصصی است. روز نخست جشنواره، جمعه، سه کارگاه هم‌زمان با حضور مسعود فراستی در نقد سینما، علیرضا زرین‌دست در فیلمبرداری و کمال تبریزی در کارگردانی برگزار شد. استقبال هنرجویان از این کارگاه‌ها به‌گونه‌ای بود که پرسش‌های آنان پس از پایان جلسات نیز ادامه یافت و بسیاری از حاضران از تجربه‌های علمی و عملی استادان بهره بردند. علیرضا زرین‌دست در کارگاه فیلمبرداری، از تجربه‌ای کمتر شنیده‌شده سخن گفت؛ از زمانی که مرحوم عباس کیارستمی برای فیلم «کلوزآپ» با او تماس گرفت و خواست سه دستیار غیرحرفه‌ای معرفی کند. زرین‌دست خود در برابر این درخواست جا خورد، اما دستیارانی را به کیارستمی معرفی کرد. وقتی آن دستیاران مورد تأیید قرار نگرفتند، کیارستمی از خود زرین‌دست خواست سر پروژه برود، اما با این شرط که «حرفه‌ای نباشد»؛ چون روایت فیلم کلوزآپ چنین اقتضایی داشت. این روایت، برای هنرجویان حاضر در کارگاه، نمونه‌ای زنده از نسبت حرفه‌گرایی و اقتضائات روایت سینمایی بود.



در روزهای بعد نیز کارگاه‌های محمدرضا مصباح در تهیه و تولید، ابراهیم امینی در فیلمنامه‌نویسی و هادی مقدم‌دوست در فیلمنامه‌نویسی برگزار شد و مباحثی مطرح شد که به گفته حاضران، در کمتر نشست تخصصی دیگری به این صراحت و کاربردی بودن پرداخته می‌شود. استادان این دوره، تجربه‌های شیرین و حرفه‌ای خود با هنرمندان جوان و مشتاق را در میان گذاشتند و همین موضوع باعث شد اغلب جلسات با کمبود وقت روبه‌رو شود. دانشجویان پرسش‌هایشان را در راهروهای پردیس ملت، همراهی با استادان و حتی گپ‌وگفت در طبقه فوقانی رستوران ادامه دادند؛ نشانه‌ای روشن از تشنگی نسل تازه سینمای ایران برای آموختن.

حضور خانواده‌ها و حال‌وهوای کودکانه

بخش دیگری از جشنواره که چهره‌ای متفاوت به آن بخشیده، حضور خانواده‌ها و کودکان است. پدر و مادرها فرزندانشان را برای تماشای انیمیشن‌هایی چون «پسر دلفینی ۲»، «نابغه و دیوسنگی»، «افسانه سپهر»، «ببعی قهرمان»، «یوز ایرانی» و پویانمایی‌های تازه‌تولیدشده سینمای ایران مانند «بادبادک‌ها» و «سفینه نجات» به جشنواره می‌آورند. هنگام پخش فیلم‌های انیمیشن، حال‌وهوای کودکانه در پردیس ملت به چشم می‌آید و همین بخش، پیوند جشنواره با خانواده‌ها را پررنگ‌تر می‌کند.

نشست‌های نقد و پژوهش؛ ساعت ۲۱ هر شب

یکی از اتفاقات تخصصی این دوره، نشست‌های نقد و بررسی و پژوهشی است که هر شب ساعت ۲۱ در سه بخش فیلم بلند، کوتاه و مستند برگزار می‌شود. کارشناسان هر بخش، امیرحسین بهروز، سعید نجاتی و مهدی انصاری، نظرات تخصصی و کاربردی خود را درباره آثار مطرح می‌کنند. سعید نجاتی در بخش فیلم کوتاه، پیشنهادهای مناسبی برای حرفه‌ای‌ترشدن آثار جوانان ارائه می‌دهد و همین رویکرد آموزشی، نشست‌ها را از سطح معمول نقد فراتر می‌برد.

روایت تصویری مقاومت در راهروهای پردیس

در راهروهای شیب‌دار سینما ملت، وقتی پس از تماشای فیلم بیرون می‌آیید و ذهن مخاطب هنوز درگیر آن است، پوستر شهدای مقاومت که به صورت یک‌درمیان بین پوستر فیلم‌ها جانمایی شده‌اند، نگاه‌ها را به خودشان معطوف می‌کنند. شاید گره خوردن نگاه مخاطب با نگاه این شهدا، تلنگری باشد برای یادآوری و تذکر ایثار و فداکاری آنها برای مام وطن و امنیت مردم؛ شعله‌ای که باید از آن محافظت شود تا همچنان روشنی‌بخش جامعه باشند. پوستر بزرگ و ادای دین جشنواره به کودکان مظلوم و شهید میناب ۱۶۸ نیز در ورودی پردیس ملت، روبه‌روی مخاطبان قرار گرفته است؛ کودکان معصومی که در روز نهم اسفند ماه اولین روز از جنگ تحمیلی رمضان شهید شدند. البته که این پوستر، یادآور مسئولیت سنگین و تاریخی سینما و سینماگران برای روایت مظلومیت آن‌هاست. نصب پوستر رهبر شهید انقلاب که روایت‌گر بخش‌های مختلفی از جوانی تا حضور در مقاطع انقلاب و جنگ هشت‌ساله دفاع مقدس تا رهبری ایشان، در طبقه منفی دو و محل برگزاری نشست‌های تخصصی، در مقابل دیدگان سینماگران ایرانی و بین‌المللی و تماشاگران قرار داده شده است. نکته قابل ذکر دیگر تلاش جشنواره برای پوست‌اندازی است. برای همین سعی شده است که تا حد امکان تنها حضور یک قشر خاص در جشنواره خودنمایی نکند. این نکته در مورد نمایش فیلم‌ها کمی ملموس‌تر است و گویی مخاطبان نوجوان در کانون توجه هستند. حضور قابل اعتنای شخصیت‌های نوجوان هم در آثار جشنواره نوزدهم مقاومت در نوع خودش جالب است. به عنوان مثال تعدادی از آنان شخصیت‌های اصلی و فرعی فیلم کوچ را تشکیل می‌دهند و عده‌ای دیگر در فیلم «بچه‌های دشت» در کنار شخصیت اصلی در ساختن فضایی که معلمی فرهیخته در متن آن معرفی می‌شود، نقش اصلی و اساسی را دارند و در فیلم «دستار» نوجوانی که پدر عکاسش در منطقه نفوذ داعش مفقود شده است، سفری دشوار و طولانی را برای یافتن نشانی از پدر آغاز می‌کند. سهم جنگ دوازده روزه و رمضان در جشنواره نوزدهم نیز سه فیلم «نیم‌شب» محمدحسین مهدویان، «قمارباز» محسن بهاری و «آن سوی آوار» محسن منشی‌زاده است که در سه فضای متفاوت، روایتگر گوشه‌هایی از واقعیت‌های جنگ و تأثیر آن بر زندگی اجتماعی انسان‌هایی است که در مواجهه با جنگ و تبعات آن واکنش‌های متفاوتی را در قالب پرداختی دراماتیک و جذاب ثبت می‌کنند.

جشنواره نوزدهم در آثار خود، تنوع روایی و مضمونی را در چند شکل متفاوت به نمایش گذاشت. در یک سو، «نیم‌شب» با فضایی باز و پرشخصیت، جنگ را با جلوه‌ای واقعی و تأثیرگذار روایت می‌کند؛ و در سوی دیگر «قمارباز» با لوکیشنی محدود و شخصیت‌هایی کم‌تعداد، رویکردی متفاوت به مقوله نفوذ و خرابکاری در متن جنگ دارد. جذابیت هر دو اثر نیز بیش از هر چیز مدیون نگاه پدیدآورندگان‌شان به قابلیت‌های دراماتیک ایده انتخاب‌شده است. در ادامه این مسیر، «سرزمین فرشته‌ها»، «دشت سوزان» و «ضلع پنهان» جلوه‌های دیگری از تنوع مضمون در جشنواره نوزدهم را رقم زدند و نشان دادند که آثار این دوره، طیف متنوعی از تجربه‌های سینمایی را در بر می‌گیرند.